

خارج اصول // ادامه بررسی قول رجالی // جلسات ۱۱۶-۱۱۷ // ۱۴۰۰/۴/۱۶

سخن ما بر این بود که چه دلیل و وجهی بر حجیت قول رجالی در تضعیف یا توثیق روات داریم که به آن رجوع کنیم؟

در نوبت های قبل سخن از سه وجه و دلیل به میان آمد. یک دلیل این است که وجه حجیت رجالی شهادت روات اولیه به وثاقت یا ضعف بعضی از روات بوده که نسلی بعد از نسلی به دست ما رسید .

وجه بعدی قبول قول رجالی از باب حجیت اخبار در موضوعات باشد.

وجه سوم این بود که دلیل حجیت قول رجالی رجوع به خبره فن است.

هر کدام از این وجوه مشکلاتی داشت. ما نمی توانیم به طور کلی یکی از این اقوال را بپذیریم. زیرا وقتی به کتابهای رجال مراجعه می کنیم می بینیم اندکی از تضعیفات و توثیقات به صورت مسند نقل شد. تعدادی از سخنان رجالیون مستند به منابع تاریخی و حدیثی قبل از آنهاست. تعدادی از این آراء رجالیون مستند به اجتهاد و نظر آنها است که در احوالات یک راوی دقت کردند و خود از باب اعمال نظر به وثاقت یا ضعف او رسیدند.

کتابهای رجالی یک دست نیست. که مثلاً همه آنها از باب خبر واحد باشد. که برای آنان نقل شده و خبر آنها هم برای نجاشی و توسط او برای ما بیان شده باشد.

همه این آراء رجالی شهادت مسند نیست چنانکه گفتم اندکی مسند داریم تعدادی از این نظریات رجالیون از باب اعمال خبرویت است لذا باید با چنین مجموعه ای که در کتابهای رجالی مشاهده می کنیم، بهره ببریم .

لذا باب رجال و تحقیقات رجالی به یک عبارت، مُنَسَد است چون:

اولاً بین ما و روات اولیه فاصله بسیار است.

ثانیاً بسیاری از کتابهای رجالی و حدیثی که می توانست برای ما منبع خوبی باشد در دست نیست.

ثالثاً برخی از این آراء رجالی، اجتهاد آنهاست و این اجتهاد به عنوان یک دلیل برای ما نخواهد بود اگر چه در حد یک شاهد و قرینه مفید است.

اینها و نیز مشکلاتی که در جلسه قبل نقل شد نوعی انسداد را در مسیر تحقیقات رجالی به وجود می آورد لذا نمی توان سخن امثال نجاشی و شیخ طوسی را از طنون خاصه ای دانست که دلیل بر حجیتش اقامه شده است. اینجا انسدادی از راه حجیت مطلق طنون پیش می آید. (با ارائه مقدمات انسداد که از جمله، نیاز ما به علم رجال است. )

ما طبق مسلکی که بعداً در مباحث انسداد توضیح خواهیم داد مسلکی بنام مسلک اضطرار داریم. که تنها راه برون رفت از این معضلات را تجمیع قرائن و شواهد می دانیم به حدی که اطمینان شخصی برای انسان حاصل شود.

برای تحقیقات رجالی، یک قرینه مهم، سخن رجالیون است. اما سخن آنها همه منبع و مدرک ما نخواهد بود. ما با قرائن و شواهد دیگری از جمله تأمل در روایات ان راوی و قرائن دیگر، در برخی موارد می توانیم اطمینان به ضعف یا وثاقت پیدا کنیم و در برخی موارد نمی توانیم نظر قاطعی که به حد اطمینان باشد ارائه دهیم.

### نقل عبارات نجاشی و ابن غضائری

حال عباراتی را از امام اهل رجال، جناب ابوالعباس احمد بن علی نجاشی الاسدی الکوفی متوفی ۴۵۰ هجری و نیز عباراتی از ابن غضائری نقل می کنیم. بعد از خواندن این عبارات، روشن می شود که مدارک و منابع و مآخذ سخنان رجالیون متفاوت است و در مواردی هم خود استنباط و اجتهاد دارند که طبیعتاً نمره انجا که یک رجالی مسنداً سخن بگوید با ان جا که یک رجالی اجتهاد خودش را بیان کند یکسان نیست. در موارد اجتهاد نمره کمتری دارد.

رجال نجاشی رقم ۱۸. در ترجمه حال ابراهیم بن هاشم می گوید:

ابراهیم بن هاشم ابو اسحاق قمی اصله کوفی انتقل الی قم.

طبیعتاً نجاشی که ابراهیم را ندید اینکه اصالتاً کوفی بوده منتقل به قم شد یا از کتابها و رساله های قبلی نقل می کند یا مطلبی را سینه به سینه نقل می کند.

قال ابو عمرو الکشی صاحب رجال کشی می گوید. (نجاشی از کشی نقل می کند). تلمیذ یونس بن عبدالرحمن من اصحاب الرضا علیه السلام. کشی می گوید ابراهیم بن هاشم شاگرد جناب یونس بن عبدالرحمن است .

هذا قول الکشی و فیه نظر. نگفته وجه تأمل چیست. گفت من تأمل و نظر در این دارم که ابراهیم شاگرد مستقیم یونس باشد.

و اصحابنا یقولون اول من نشر حدیث الکوفیین بقم هو . ما در بین مکاتب حدیثی شیعه مکتب قم و مکتب کوفه و نیز مکتب بغداد داریم. اینها هر کدام با اسنادی مختص به خود روایاتی از ائمه دارند که البته در ادامه تعاملات حدیثی بین این سه شهر رخ داد.

می گوید اصحاب ما می گویند مستند نجاشی سخن /صحاب ما است. اولین کسی که احادیث کوفیین را به قم منتقل کرد ابراهیم بود

ایا این سخنی که نجاشی از اصحاب نقل می کند کتابی منظور ایشان است؟(از کتابی نقل کرد؟) یا مشافهه از اصحاب شنیده است؟ چیزی نگفت!! فقط گفت اصحاب ما این گونه می گویند.

رقم ۱۰۴۷ در ترجمه حال محمد بن احمد بن جنید، نجاشی می گوید:

سمعت بعض شیوخنا یذکر انه کان عنده مال لصاحب (ع) و سیف ایضا و انه وصی به الی جاریته و هلك ذلک این که او مالی و سیفی از وجود مقدس امام در نزدش بود می خواهد از بعضی از اساتید که شنیده است نقل می کند.

رقم ۱۰۴۴ محمد بن بحر الروهنی . قال بعض اصحابنا انه کان فی مذهبه ارتفاع.

بعضی از اصحاب ما گفته اند که این محمد بن بحر در مذهبش ارتفاع است. (ارتفاع یعنی غلو دارد). نگفته این بعض اصحابنا کیست!!

اما باید دانست که مرادش هم درس و استادش جناب ابن غضائری(احمد بن حسین) است.

در رقم ۱۴۷ رجال نجاشی آمده است که ابن غضائری (احمد) به همراه نجاشی در درس پدرش یعنی حسین حضور داشت. البته بعداً نجاشی خودش هم در درس ابن غضائری شراکت داشت.

اینجا از قول او نقل می کند که این محمد بن بحر در مذهبش ارتفاع است بعد نجاشی می گوید و حدیثه قریب من السلامه و لا ادري من این قیل ذلک.

من نجاشی تا انجا که حدیث او را شنیده ام سالم بود نمی دانم آنچه این غضائری بیان کرده است به چه دلیلی است من که احادیث او را نزدیک به سلامت می بینم و غلو و ارتفاعی در آن مشاهده نمی کنم.

رقم ۵۱۳ در ترجمه حال سهیل بن زیاد می گوید: قال بعض اصحابنا لم یکن سهیل بکل ثبت فی الحدیث.

روایات برخی دقت ها در ثبت و ضبط دارند و برخی آن دقت های لازم را ندارند.

در رقم ۵۱۶، سُلَیم عن فراء کوفی روا عن ابی عبد الله ع و ابی الحسن ع (اما کاظم) ثقہ ذکرہ اصحابنا فی الرجال. قبل از نجاشی، کتابهای رجال در دست او بود.

رقم ۵۶ اسماعیل بن سهل می گوید ضَعْفه اصحابنا .

رقم ۵۸ می گوید اسماعیل بن یسار الهاشمی ذکرہ اصحابنا بضعف.

رقم ۷ در ترجمه حال ابان بن تغلب می گوید: کانت له عندهم منزله و قدم. جایگاه خوبی دارد و روایاتی را در عظمت ابان ذکر می کند. اما خود این روایات باید بررسی سندی شود.

رقم ۲۴. ابراهیم نُعیم عبدی می گوید: کان ابو عبد الله ع یسمیه المیزان لثقتہ .

جناب نجاشی! شما که امام را ندیدی!! از کجا می دانی که امام به او میزان می گفت!؟

می گوید: ذکرہ ابو عباس فی الرجال.

مرحوم نجاشی از یک ابوالعباس دیگری به اسم ابن عَقْدَه نقل می کند.

رقم ۷۷ در ترجمه حال حسین بن یزید بن محمد که نوفلی می باشد می گوید: قال قوم من القمیین انه غلا فی اخر عمره و الله اعلم و ما راینَا له روايه تدل علی هذا.

قمیین که ریز بین در غلو بودند و به مجرد روایتی که از یک راوی نقل می شد که نزد آنها مضمونش غلو بود ان راوی را متهم به غلو می کردند عده ای از این قمیین گفتند که این حسین بن یزید اواخر عمرش غالی شد. نجاشی می گوید من روایات او را دیدم در بین روایات او روایت دال بر غلو نیامده است.

**ما خواستیم ثابت کنیم سخن رجالیون یک منبع تنها و یک نحو بیان ندارد. بلکه منابع متعددی از کتابها و رساله های قبلی که بعضا نامشان را می برند و بعضی را هم به اشاره می گذرانند از منابع نجاشی است. همان طور که ان چه این استاد بی نظیر رجال از اساتید قبلی خود شنیده است در این کتاب یافت می شود چنانکه در این کتاب اجتهادات و استنباطاتی از خود نجاشی مشاهده می کنیم مثل این که یک راوی را عده ای مانند قمیون رمی به غلو کرده باشند نجاشی بگوید من کتابهای او را دیده ام چنین برداشتی را که او در این روایات غالی باشد نداشته است.**

در همین زمینه باز رقم ۸۶ حُسَین بن عبیدالله السعدی می گوید:

این فرد رُمی بالغو. بلافاصله می گوید: له کتب صحیحہ الحدیث. یعنی درست است که او را رمی به غلو کرده اند اما من کتابها و روایات او را دیده ام، روایات صحیحہ و قابل قبولی است. برداشت من این نیست که بین روایات او روایاتی دال بر غلو باشد.

باید دانست این یک اجتهاد و نظر است زیرا معنای غلو در بعضی از مصادیق قابل اختلاف نظر است بعضی از مصادیق غلو را همه معتقدند. مثل اینکه برای ائمه مقام الوهیت قائل شود. اما در بعضی از امور مانند سهو النبی اختلاف نظر هست. عده ای از قمیین مانند صدوق و استادش می گویند کسی که سهو النبی را قائل نباشد غالی است. لذا مرحوم مفید با این عقیده مقابله کرد.

تشخیص این که روایات راوی مشتمل بر غلو هست یا خیر در برخی موارد اختلافی و اجتهادی است لذا نجاشی می گوید من برداشت غلو از روایات او ندارم.

در رقم ۱۳۸ در مورد حسن بن عباس می گوید:

ضعیفٌ جدا. اما مدرک ارائه نداد. ولی بلافاصله بعد از این تضعیف، سخنی دارد که با این ادعا می سازد که بگوئیم تضعیف کردن نجاشی عن حدس و اجتهاد است. زیرا نجاشی می گوید:

له کتابٌ انا انزلناه فی ليله القدر، و هو کتاب ردی الحدیث، مضطرب الالفاظ. اینکه فرمود ضعیف جداً می تواند مستند باشد به بررسی کتاب انا انزلناه فی ليله القدر و روایات این کتاب و اینکه ردی الحدیث است. کم ارزش است. الفاظش اضطراب دارد.

همین را که نجاشی در رقم ۱۳۸ در موردش اینگونه گفت، استاد او جناب ابن غضائری در رقم ۳۴ در مورد حسن بن عباس می گوید او کتابی دارد فاسد الالفاظ. هر دو می گوید الفاظ اضطراب دارد. تشهد مخالیه (نشانه) علی آنها موضوع!! احادیث جعلی دارد. و هذا الرجل لایلتفت الیه و لا یکتب حدیثه. هیچ توجهی به این فرد نکنید و هرگز روایات او را ننویسید.

در رقم ۲۶۴ نجاشی می گوید امیه بن علی ضعفه اصحابنا. ابن غضائری در رقم ۶ می گوید ضعیف الروایه فی مذهبہ ارتفاع

رقم ۲۱ نجاشی ابراهیم بن اسحاق می گوید: کان ضعیفا فی حدیثه متهوما (نگفت چه تهمتی!)

ابن غضائری می گوید: فی حدیثه ضعف و فی مذهبہ ارتفاع یروی الصحیح والسقیم و امره مختلف.

مرحوم نجاشی در حکم به غلو بسیار متعادل است در حالیکه ابن غضائری بسیار تند و زود حکم به غلو می کند با این که هیچکدام از این دو قومی نیستند اما مذهب ابن غضائری در حکم به غلو نزدیک به قمیون است

زیرا قمیون هم خیلی سریع حکم به غلو می کردند اما در عین حال در رقم ۱۰ ابن غضائری می گوید احمد بن محمد بن خالد طعن القمیون علیه اما و لیس الطعن فیه

درست است که قمیون به او طعنه زدند. (جناب احمد بن محمد بن عیسی دستور داد او را از قم خارج کنند) اما ابن غضائری می گوید این طعن متوجه او نیست:

انما الطعن فی من یروی عنه. و انه کان لایبالی عن من یأخذ علی طریق الاهل الاخبار. این اهل اخبار پیشینه اهل اخبار جدیدند.

ابن غضائری در رقم ۱۲ می گوید: احمد بن حسین بن سعید قال القمیون کان غالباً و حدیثه فی ما رایته سالم

در رقم ۸۷ می گوید: عبد الله بن عبدالرحمن ضعیفٌ مرتفع القول (غال) له کتاب فی الزیارات ما یدل علی خُبث عظیم و مذهب متهافت.

این کتاب نشان می دهد عبد الله بن عبدالرحمن خبث بزرگی داشته و مذهب بسیار متهافت دارد.

مقایسه شود با ۵۶۶ نجاشی، می گوید:

این عبدالله ضعیف غال لیس بشیء. له کتاب المزار سمعت مِمَّنْ رآه (از کسی که کتاب را دیده شنیدم) و قال لی هو تخلیطٌ (ظاهراً از ابن غضائری نقل می کند)

رقم ۱۰۴ ابن غضائری. علی بن احمد کذاب غال صاحب بدعه و مقاله (یعنی حرفی زد که دیگران نزدند) رایت له کتبا کثیرا لا یلتفت الیه

رقم ۱۱۵ ابن غضائری قاسم بن حسن : حدیثه نعرفه و نکره. ذکر القمیون ان فی مذهبه ارتفاع.

گفتند این قاسم بن حسن در مذهبش ارتفاع است اما الاغلب فی الخیر

من روایات او را دیدم اغلب در روایات خیر و درستی دارد این یعنی اجتهاد کردن.

غرض این که رجالیون منابع متعدد دارند گزارشهای سماعی دارند اما در کنارش اجتهادات و برداشتهای فنی هم دارند. انجایی که هم منبع ارائه می دهند برخی از این منابع مربوط به تضعیف و توثیق است برخی مربوط به تاریخ زندگانی روات و فهرست آنها است. لذا ما از تراث رجالی مثل رجال شیخ فهرست شیخ، رجال نجاشی رجال کشی رجال ابن غضائری نباید بگذریم. اما هیچ از این سخنان وحی منزل و امر ثابت و قطعی نیست بلکه یک قرینه و شاهد است که در کنار آن باید قرائن و شواهد دیگر موافق و مخالف دیده شود. باید خود

فقیه با مراجعه به متون اعم از متون رجالی و تاریخی و حدیثی با مراجعه به کتب رجال شیعه و اهل سنت دست به اجتهاد بزند نه اینکه در بست سخنی را از این افراد بپذیرد.

این ها قدمایی هستند که نزدیک به عصر معصوم اند و سخن آنها مشتمل بر مدارکی است که الان در دست ما نیست اما باز نباید به سخن رجالی متعبد باشیم مثل یک شهادتی که نسبت به وثاقت هم عصر مشاهده می کنید هرگز کتابهای رجالی همه اش یک دست شهادت نیست.

لذا فقیه باید در رجال هم، صاحب نظر باشد اینکه بیاید در مقاله و کتابش احادیث را تضعیف کند به صرف اینکه محقق خویی ره در آن راوی تأمل دارد یک کار فنی رجالی و محققانه نیست. یک تقلید است که نباید در مسیر استنباط مجتهد قرار گیرد.

حسین مقدس

جلسات ۱۱۶-۱۱۷

۱۴۰۰/۴/۱۶